

حکروایی شایسته مبتنی بر سرمایه اجتماعی در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار

محمدشریف شریف‌زاده*^۱، غلامحسین عبداله‌زاده^۲، فاطمه صالحی طالشی^۳ و علیرضا خواجه شاهکوهی^۴

^۱دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
^۲دانشیار توسعه کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
^۳دانشجوی سابق کارشناسی‌ارشد توسعه کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
^۴استادیار جغرافیا، دانشگاه گلستان
تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۴

چکیده

توسعه پایدار روستایی نیازمند یک نظام مدیریت و حکمرانی کارآمد مبتنی بر ظرفیت‌ها و منابع محلی است. امروزه پیامد سازنده‌ی سرمایه اجتماعی بر استقرار و ثبات ساختارهای مردم‌سالار محلی در مناطق شهری و روستایی مورد توجه قرار گرفته است. در پرتو چنین مباحثی درباره تقویت مدیریت محلی در مناطق روستایی، این پرسش مطرح است که آیا رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی شایسته در این مناطق وجود دارد و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع و شدت روابط ممکن بین این دو و زیرمؤلفه‌های شاکله چگونه است. این تحقیق با هدف بررسی رابطه‌ی سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار با استفاده از روش تحقیق پیمایشی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲۶۵۴ نفر از سرپرستان خانوار روستایی در شهرستان جویبار بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۱۴ نفر از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که پایایی آن با محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷ سنجیده شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را نیز گروهی از صاحب‌نظران تأیید کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌فزار SPSS انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۴۷/۱ درصد از پاسخ‌گویان، سطح حکمروایی شایسته در روستاها را در حد مناسب و ۵۰/۳ درصد سرمایه اجتماعی را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. بر اساس ضرایب همبستگی، با گسترش شبکه اجتماعی، اعتماد، آگاهی اجتماعی و شاخص سرمایه اجتماعی کل، میزان قانون‌مندی و عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، شفافیت کارایی و اثربخشی و شاخص حکمروایی شایسته نیز افزایش می‌یابد. در کل یافته‌های تحقیق نشان داد که شاخص سرمایه اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری با شاخص حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار دارد. بنابراین، مدیریت روستا با افزایش مشارکت مردم روستا و اعتماد آنها می‌تواند به ارتقای کیفیت حکمرانی و اداره امور روستا کمک نماید.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، حکمروایی شایسته، سرمایه اجتماعی، شهرستان جویبار.

مقدمه و طرح مسأله

و معنوی انسان‌ها و رفع نیازهای آنان و حمایت از حقوق اساسی و آزادی شهروندان در همه مکان‌ها و زمان‌ها تلقی می‌شود. علاوه بر آن حکمروایی شایسته بر چگونگی دست‌یافتن به حکومتی که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابری‌خواهانه باشد، تأکید دارد (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱). حکمروایی شایسته، رهبری و مدیریت جامعه به گونه سنجیده، درست و کارآمد و در چارچوب حاکمیت قانون،

حکمروایی شایسته برای دستیابی به توسعه پایدار در قلمرو هر سرزمین جزء ضروریات است. حکمروایی شایسته، فرآیند رابطه صحیح و منطقی بین حکومت‌کنندگان و شهروندان با هدف به حداکثر رساندن به‌زیستی عمومی و توجه به بهره‌مندی مادی

*نویسنده مسئول: sharifsharifzadeh@gmail.com

مدیریت روستایی مبتنی بر حکمروایی شایسته با سرمایه اجتماعی، تاکنون مطالعه چندانی در این زمینه انجام نشده است و از این رو ملزومات بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در تحقق حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی برای دست‌اندرکاران امر به خوبی شناخته نشده است. بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که چه ارتباطی بین مؤلفه‌های حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی و سرمایه اجتماعی در سطح روستاها وجود دارد؟ و چگونه می‌توان از سرمایه اجتماعی به منظور تحقق حکمروایی شایسته در مدیریت روستاهای مورد مطالعه در شهرستان جویبار به عنوان یک مطالعه موردی بهره گرفت؟

پیشینه تحقیق

تاکنون شماری از پژوهشگران در مطالعات خود به حکمروایی شایسته و نقش سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع روستایی پرداخته‌اند. مشکینی و همکاران (۱۳۹۳) با ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های اثربخشی و پاسخ‌گویی، از کارکرد بیش‌تری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محله نقش داشته‌اند. صالحی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی سازوکار تأثیرگذاری شاخص‌های سرمایه اجتماعی در حکمروایی مطلوب» به این نتیجه دست یافتند که بین سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته رابطه معنی‌داری وجود دارد. عنابستانی (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبت معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی در شهرستان خواف وجود دارد. حسام و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه‌ای را با هدف سنجش رضایت روستاییان از عملکرد دهیاری‌های روستاهای دهستان جنوبی شهرستان گرگان و سطح‌بندی آنها انجام داده‌اند. در این تحقیق عملکرد دهیاری بر اساس چهار مؤلفه‌ی کارایی مشارکت، عملکردی، برابری و پاسخ‌گویی در قالب ۲۳ شاخص ارزیابی شده است.

تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه همراه با پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، مشارکت عمومی و راهبردهایی از این دست که در گرو تعامل درست شهروندان و نیروهای سیاسی- اجتماعی جامعه مدنی با دولت است (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

به همین دلیل امروزه گسترش رهیافت حکمروایی شایسته روستایی مستلزم آن است که مردم و جوامع روستایی در شکل‌های مدنی به‌صورت شبکه‌های کوچک اجتماعی سازمان‌دهی شوند تا از توانایی‌ها و استعدادها و خلاقیت‌هایشان به گونه‌ای مناسب استفاده کنند و به مدیریت آنها بپردازند. چنین نگرش‌هایی از ضروریات فرآیند توسعه پایدار روستایی قلمداد می‌شود که از طریق سازوکارهای ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و شبکه‌سازی بسان سرمایه نهادی محقق می‌شود (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱). مدیریت اثربخش روستایی نیازمند بهره‌گیری از الگوها و رویکردهای مدیریتی و نهادی نوین است. یکی از این الگوها، حکمروایی شایسته است که نشان‌دهنده عملکرد خوب، شفافیت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، قانونمندی، توافق جمعی، کارایی، اثربخشی و عدالت‌محوری است. پیاده‌سازی این الگو نیازمند بهره‌گیری مقتضی از سرمایه‌های محلی، به‌ویژه سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین‌گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی است (بزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۴).

سرمایه اجتماعی شامل مؤلفه‌هایی از جمله مشارکت مدنی و همیاری، اعتماد و قابلیت اعتماد و... است. امروزه به دلیل عملکرد ضعیف دهیاری‌ها و عدم توانایی آنها در جلب مشارکت مردمی و جامعه روستایی در مدیریت روستایی (دهیاری و شورای اسلامی روستا) الگوی مدیریتی از حالت دیوان‌سالار به حکمروایی شایسته میل کرده است. با وجود هم‌گرایی

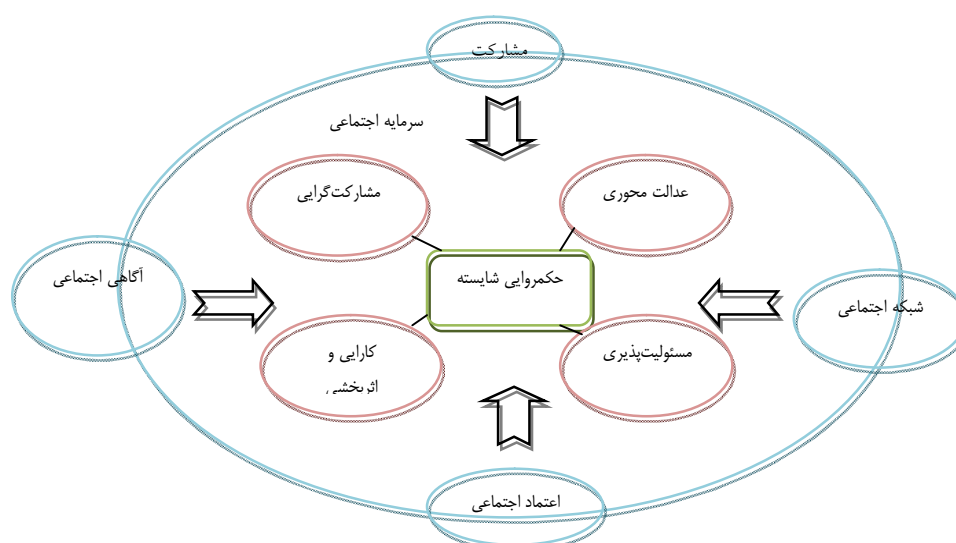
انسجام اجتماعی روستاییان، تعامل دهیاری با دهیاری‌های هم‌جوار، تجربه دهیار و تجهیز دهیاری‌هاست. طبق تحقیق اژدری‌فرد و احمدوند (۱۳۹۰)، حمایت دولت، سرمایه اجتماعی اعضا و مشارکت مردم در امور روستا عواملی تعیین‌کننده، پراهمیت و معنادار در پیش‌بینی عملکرد شورای اسلامی روستایی است. طبق مطالعه ازکیا و غفاری (۱۳۸۰)، در روستاهای شهرستان کاشان با افزایش میزان اعتماد اجتماعی روستاییان، میزان مشارکت اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد و هر چه اعتماد از محدوده‌ی خانواده و نظام خویشاوندی به حوزه‌های فرامحلی، شهری و ملی گسترش می‌یابد، مشارکت اجتماعی نیز به تبع افزایش اعتماد تعمیم یافته، بیش‌تر می‌شود.

از بین پژوهشگران خارجی، وارد و مکنیکلاس (۱۹۹۸) به پیکربندی دوباره توسعه‌ی روستایی در بریتانیا در نتیجه شکل‌گیری الگوی جدیدی از حکمرانی روستایی پرداخته‌اند و به تنش مابین دو رویکرد مرکزگرایی و محلی‌گرایی، نقش جوامع روستایی در اداره خویش و نیز نقش فنون و فناوری‌های جدید اشاره داشته‌اند. ناک (۲۰۰۲) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و کیفیت حکمرانی وجود دارد. مواردی نظیر پاسخ‌گویی، مشارکت و شفافیت به‌عنوان اصول حکمرانی، موجبات رضایت خاطر جامعه محلی از مدیریت محلی را فراهم می‌سازد و بی‌توجهی به آنها زمینه‌ساز بدبینی و بی‌اعتمادی به کنشگران محلی مدیریت خواهد بود (شتیفان و دیگران، ۲۰۰۴: ۱). طبق نتایج مطالعه‌ی اسلانگن و همکاران (۲۰۰۴) درباره نقش نهادهای اقتصادی، دولت و سرمایه اجتماعی در توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اروپایی شرقی و مرکزی، محیط نهادی و سرمایه اجتماعی، عوامل بسیار مهمی در رشد بخش کشاورزی است. ماترباخ و همکاران (۲۰۰۵) با مرور مطالعات موردی صورت‌گرفته بر نقش حکمرانی شایسته در حل مسایل مربوط به محصولات دارای گواهی کیفیت در مناطق روستایی تأکید کرده‌اند. روی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در صورت تحقق حکمروایی خوب روستایی، می‌توان امیدوار به صیانت از حقوق روستاییان بود. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که به‌صورت کلی روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها راضی هستند. شکوهی و ایستگلدی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی تحلیلی عوامل زمینه‌ساز حکمروایی خوب» به این نتیجه دست یافتند که از بین عوامل سازنده‌ی عقلانیت ارتباطی، متغیر اعتماد اجتماعی (نهادی، عمومی) بالاترین ارتباط را با کیفیت برقراری حکمروایی خوب در این شهر دارد. نتیجه مطالعه افتخاری و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران» حاکی از این است که مدیریت روستایی از منظر حکمروایی شایسته، وضعیت مناسبی ندارد. بر اساس پژوهش مرادی و پاپزن (۱۳۹۱)، مواردی نظیر حکمروایی محلی شایسته، رضایت شغلی و ویژگی‌های فردی- حرفه‌ای دهیار، تأمین امکانات، تجهیزات و منابع مالی مورد نیاز دهیاری بر موفقیت این نهاد در انجام اثربخش وظایف قانونی تأثیرگذار است. دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که حکمروایی شایسته با بهبود شرایط حکومت، افزایش آزادی و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و طراحی برنامه‌های توسعه توسط خود مردم سبب ایجاد فرآیندهای نوین اداری، تغییر شیوه‌های تأمین معاش و در نتیجه کاهش فقر خواهد شد. افتخاری و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران به این نتیجه دست یافتند که رهیافت خوب روستایی می‌تواند به چالش مدیریت توسعه روستایی در ایران پاسخی درخور دهد و توسعه پایدار روستایی را سرعت بخشد. طبق مطالعات پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۰)، شکل‌گیری فرآیند حکمروایی مطلوب بر بنیان سرمایه اجتماعی استوار است. پژوهش دربان‌آستانه و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که از مهم‌ترین عوامل مؤثر در حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی، مساحت، جمعیت روستا، رضایت شغلی، سبک مدیریت دهیار، ضریب

مدیریت روستا با بهره‌گیری از سرمایه‌های جوامع روستایی مورد توجه قرار گیرد. در این بین مدیریت روستا می‌تواند از سرمایه اجتماعی (شامل مؤلفه‌های آگاهی اجتماعی، مشارکت، شبکه اجتماعی و اعتماد اجتماعی) برای پیاده‌سازی حکمروایی شایسته (با رویکردهای محوری مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی، مشارکت‌گرایی و عدالت‌محوری) بهره‌برداری کند (شکل ۱).

(۲۰۰۷) در مطالعه خود به همبستگی مثبتی بین جامعه مدنی و حکمروایی شایسته از منظر گروهی از خبرگان دست یافته است. پیمایش انجام شده در ۴۱۰ روستا در چین نیز مؤید رابطه‌ی میان سرمایه اجتماعی و حکمرانی محلی روستایی است (Xia, 2011: 135). از مباحث نظری و پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که حکمروایی شایسته به عنوان یک الگوی مدیریتی مناسب می‌تواند برای بهبود



شکل ۱: الگوی نظری تحقیق

استقرار یافته است، نیاز است با بهره‌گیری از رویکردهای مدیریتی و نهادی جدید به ارتقای کارایی و اثربخشی این ساختار کمک شود. در این بین، حکمروایی شایسته روستایی، الگویی است که از طریق جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای عملکردی و تمام سطوح جغرافیایی و جایگزینی هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی بتواند زمینه توسعه پایدار و سازمان فضایی - کالبدی کارآمد در نواحی روستایی را فراهم کند (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۵). حکمروایی شایسته روستایی مبین و مستلزم تحقق مشارکت‌گرایی، قانونمندی و عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی در مدیریت روستایی و به‌طور مشخص در ساختار و کارکرد تشکلهای و نهادهای میدانی مدیریت روستا یعنی شوراهای اسلامی و دهیاری‌هاست.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

مدیریت روستایی در ایران تحولات نهادی و رسمی متعددی را پشت سر گذاشته است. این تحولات از پذیرش رسمی کدخدا به عنوان مدیر روستا در دوران مشروطیت شروع شده و پس از پشت سر گذاشتن تجربیات برخاسته از اصلاحات ارضی در دهه چهل و انقلاب اسلامی در اواخر دهه پنجاه، در زمان حاضر به سازمان اجرایی جدیدی به نام دهیاری به مسئولیت دهیار انجامیده است (ایمانی و عبداللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۱). مرور اجمالی تحولات مدیریت روستایی حاکی از این است که بیش‌تر آنها از جنس مداخله‌گری فرامحلی با منشأ دولتی بوده است. در نتیجه بلوغ و تکامل نهادی مدیریت روستایی به صورت درون‌زا محقق نشده است. در هر حال اکنون که ساختار رسمی برای مدیریت روستایی تعریف و

ملاحظات سیاسی، دموکراسی‌گرایی و تمرکززدایی از فرآیندهای حکومت، توسعه فرهنگ مشارکتی اداره امور، پیشرفت و روشن‌سازی جایگاه جامعه مدنی در جامعه اقتصادی، دگرگونی سیاست و فرهنگ، تقویت جامعه در تصمیم‌سازی با توجه به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است. به عبارتی حکروایی شایسته به ایجاد شرایط تعهدی و به‌طور مؤثر ترویج مشارکت، اجماع‌گرایی، پاسخ‌گویی، شفافیت و حاکمیت ارزش‌های قانون تعهد دارد. حکروایی شایسته در توسعه روستایی، انواع اندیشه‌ها را مانند شکل و طبیعت حکروایی محلی و پروژه‌ها یا برنامه‌های مدیریت توسعه روستایی و همچنین ظرفیت نهادهای حکومت محلی در تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه محلی در بر می‌گیرد (دادورخانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

حکروایی شایسته در مناطق روستایی، تجلی مردم‌سالاری محلی و سازوکاری برای تحقق توسعه پایدار است (Kardos, 2012: 1166). در این زمینه، سرمایه اجتماعی نقش مهمی در ارتقای کیفیت حکمرانی و تحقق حکروایی شایسته دارد (Chen and Knack, 2002: 772; Lu, 2007: 422). بر اساس مطالعات انجام‌شده، مؤلفه‌های حکروایی شایسته مانند مشارکت، پاسخ‌گویی، سرمایه اجتماعی و... عوامل موفقیت حکروایی محلی شناخته شده‌اند (Biox and Posner, 1998: 28). در این بین، سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی است که در دهه‌های اخیر، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی، مجموعه نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری یک جامعه را شکل می‌دهد. این مناسبات، وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و منافع فردی، گروهی و جامعه محسوب می‌شود. برقراری ارتباط و تعامل بین افراد یک جامعه و حفظ آن در طول زمان، افراد را قادر می‌سازد به چیزهایی دست یابند که بدون آن، امکان دستیابی به آن را ندارند، یا به سختی موفق به کسب آنها می‌شوند (زنگنه و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۲۳). سرمایه اجتماعی به معنای هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت

حکروایی روستایی، رویکردی در مقابل حکومت روستایی در نظام اداره و کنترل امور روستایی محسوب می‌شود و فرآیندی است که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و تشکل‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد. امروزه با گسترش رویکردهای مشارکتی و حکومت‌های محلی، دولت‌های تمرکزگرا عملاً در پاسخ‌گویی به نیازها و حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی روستاییان دچار چالش شده‌اند. با توجه به این‌که در حال حاضر یکی از چالش‌های بنیادین جامعه روستایی، توسعه مشروعیت در اداره روستاهاست، تغییر در نحوه اداره روستاها ضروری به نظر می‌رسد (حسام و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۹). موضوع حکروایی در مباحث توسعه، اولین بار در سال ۱۹۸۹ در گزارشی مطرح شد که بانک جهانی درباره توسعه آفریقا منتشر کرد. این واژه در سالی مطرح شد که ویلیامسون، واژه اجماع‌واشنگتنی را برای توصیف سیاست‌های بانک جهانی به کار برد. اما چندین سال طول کشید که موضوع حکروایی، مورد توجه نظریه‌پردازان توسعه قرار گیرد (نیکونستی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). سال ۲۰۰۰ رهبران کشورهای جهان طی قطعنامه‌ای، حکروایی شایسته را به عنوان راهبردی برای کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی پذیرفتند، تا رویکردی نوین برای مقابله با پدیده فقرا ارائه دهند (دادورخانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴). از نظر حکروایی شایسته، تصمیم‌گیری درباره توسعه روستایی باید توسط همه کسانی انجام گیرد که در آن مؤثر و ذی‌نفع هستند و می‌باید بر اساس عدالت، آزادی و حق انتخاب روستاییان استوار باشد، برای تحقق این امر، باید اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بیش از پیش بر عهده اجتماعات محلی، نهادهای غیر حکومتی و شوراهای محلی واگذار شود و در این صورت است که در حکروایی شایسته روستایی یا نظام اداره مردمی خوب که آن را یکی از الزامات اساسی توسعه پایدار منطقه‌ای و محلی می‌دانند، مردم روستایی از یک روستای انفعالی به یک روستایی فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۱: ۲). حکروایی شایسته،

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته، رابطه معنی‌داری وجود دارد.»

پس از تدوین پرسش‌نامه‌ی تحقیق، روایی و پایایی آن نیز بررسی و تأیید شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه تحقیق از طریق گروهی از متخصصان توسعه‌ی روستایی شامل اساتید دانشگاه در رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی، جغرافیای روستایی، توسعه روستایی و جامعه‌شناسی ارزیابی و پس از انجام اصلاحاتی تأیید شد. پایایی بخش‌های مختلف پرسش‌نامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (پس از حذف گویه‌های ناهم‌ساز) به این شرح مورد تأیید قرار گرفت: شبکه‌ی اجتماعی (۰/۷۷۳)؛ اعتماد (۰/۷۹۹)؛ مشارکت (۰/۸۳۶)؛ آگاهی اجتماعی (۰/۶۸۱)؛ مشارکت‌گرایی (۰/۷۴۵)؛ قانون‌مندی و عدالت‌محوری (۰/۸۷۳)؛ مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی (۰/۷۹۷) و شفافیت، کارایی و اثربخشی (۰/۸۵۲). کلیه محاسبات آماری این تحقیق به وسیله نرم‌افزار SPSS16 در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی ۱۲۶۵۴ سرپرست خانوارهای روستایی واقع در ۷۵ روستای شهرستان جویبار بود. از طریق فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۱۴ به‌دست آمد. نمونه مورد مطالعه به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. بدین منظور ابتدا دو بخش شهرستان جویبار، یعنی مرکزی و گیلخواران به‌عنوان طبقه در نظر گرفته شده و در مرحله بعد، برخی از دهستان‌ها از هر طبقه به صورت تصادفی ساده انتخاب شد (سیاهرود و حسن‌رضا از بخش مرکزی و چپک‌رود از بخش گیلخواران). در مرحله بعد به صورت خوشه‌ای، به نمونه‌گیری از روستاهای منتخب هر بخش با در نظر گرفتن قاعده انتساب متناسب اقدام شد. شهرستان جویبار، یکی از شهرهای استان مازندران و مرکز شهرستان جویبار است (شکل ۲). جمعیت شهر جویبار در سال ۱۳۹۰، برابر با ۷۳۰۴۳ نفر بوده است. از گذشته‌ی دور که سکونت‌گاه‌های انسانی در منطقه جویبار سازمان فضایی پیدا کرد، اقتصاد کشاورزی و فعالیت‌های

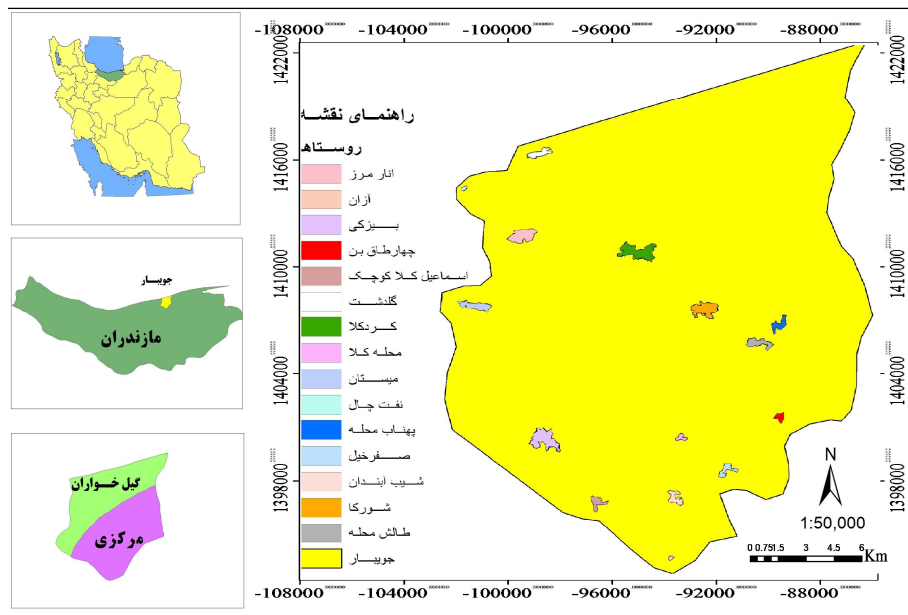
مردم در اقدامات جمعی برای کسب سود متقابل را فراهم می‌کند و با استفاده از شیوه‌هایی همچون سنجش سطح اعتماد اجتماعی و سطوح عضویت در انجمن‌های مدنی رسمی یا غیر رسمی، قابل اندازه‌گیری است (تاجبخش و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۵۶). یکی از نهادهای مدیریتی در روستاها، شورای اسلامی است. شورای اسلامی، نهادی مشارکتی است که از طریق آن تلاش‌های مردم روستایی برای بهبود شرایط آنها در ابعاد مختلف انجام گرفته و هماهنگ می‌شود. شوراهای اسلامی روستا می‌توانند خواسته‌های مردم از دولت را تعدیل نموده و حضور آنها در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی را نهادینه کنند و افزون بر کاهش نارضایتی مردم، ظرفیت پاسخ‌گویی دولت را افزایش دهند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۶). البته عملکرد شورای اسلامی در عمل در گرو کارایی دهیاری است که بازوی اجرای مدیریت روستایی به شمار می‌رود. به‌طور کلی موفقیت مدیریت روستایی نیازمند همکاری و هماهنگی آنها با سازمان‌های دولتی مسئول و تشکل‌های فعال در سطح روستا از یک‌سو (مشارکت نهادمند) و بهره‌گیری از ظرفیت همیاری و همکاری ریشه‌دار در روستاها (مشارکت محلی اجتماعی) است. هر دو بعد، ذیل مفهوم سرمایه اجتماعی روستایی قابل توجه است.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها، میدانی و از لحاظ کنترل و سنجش متغیرها، توصیفی و غیر آزمایشی است. در این تحقیق از بین انواع روش‌های تحقیق توصیفی، از پیمایش برای دستیابی به اهداف مورد نظر بهره گرفته شده است. پس از تدوین طرح پیشنهادی با بررسی مبانی نظری، مفاهیم و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته استخراج شد. در این تحقیق بنا به الگوی نظری، حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی به عنوان متغیر وابسته و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق به این صورت تدوین و بررسی شد: «بین

کشاورزی و باغداری به‌طور اعم و دام‌داری و دام‌پروری به‌طور اخص، اهمیت خاصی داشت. ورود تجهیزات فنی در امر زراعت و کشاورزی به همراه افزایش نسبی بهره‌وری، کشت متداول را در بیش‌تر قسمت‌های منطقه تشویق کرده است.

وابسته به آن به یاری شرایط جوی و جغرافیایی، رونق چشم‌گیری داشته است، به‌طوری که در گذشته قسمت عمده محصولات کشاورزی این منطقه، پنبه و برنج بوده است. از طرف دیگر نظام ملوک‌الطوایفی، بزرگ مالکی را در منطقه تقویت کرده و با تداوم نظام ارباب - رعیتی در فضای جغرافیایی منطقه جویبار،



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه

ساعت را به تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو می‌پردازند و به‌طور متوسط در طول هفته، ۳/۸۴ دفعه به شهر مراجعه می‌کنند. به‌طور متوسط هر فرد با ۴۱/۰۶ نفر از اهالی محل دوست است و در هفته گذشته به‌طور متوسط با ۱۲/۲۳ نفر از همسایگان خود ملاقات حضوری دارد و در یک روز عادی به‌طور متوسط با ۱۳/۶۷ نفر از اهالی روستا صحبت می‌کند. هر پاسخ‌گو به‌طور متوسط ۳/۶۴ دفعه در سال با آشنایان به تفریح می‌رود و به‌طور متوسط با ۱۰/۷۲ خانوار هم‌محلی رفت و آمد خانوادگی دارد. اندکی بیش از ۹۲ درصد از پاسخ‌گویان، متولد همان روستایی بودند که در آن سکونت داشتند. نیمی از پاسخ‌گویان، عضو فامیل غالب روستا بودند. میانگین عضویت پاسخ‌گویان در بسیج، ۳/۸۶ سال، در انجمن اولیا و مربیان، صندوق قرض‌الحسنه و هیأت امنای مسجد یک سال بوده است. اعضای خانواده ۱۸/۵

بحث اصلی

توصیف ویژگی‌های پاسخ‌گویان: از آنجایی که جامعه مورد مطالعه، سرپرستان خانوار بودند، بنابراین شمار بیش‌تری از پاسخ‌گویان (۹۵/۲ درصد) مرد بودند. نزدیک به ۳۵ درصد تحصیلات متوسطه (راهنمایی و دبیرستان) داشتند. از نظر شغلی، بیش‌تر شغل کشاورزی (۶۰/۲) داشتند. از نظر سنی بیش‌تر در محدوده سنی میان‌سال و با میانگین ۴۳/۳۴ سال قرار داشتند و تعداد اعضای خانواده پاسخ‌گویان به‌طور متوسط ۳/۵۹ نفر بود.

از نظر اقتصادی، مالکیت زمین زراعی هر خانوار به‌طور متوسط ۰/۹ هکتار و مالکیت باغ هر خانوار به‌طور متوسط ۰/۳۲ هکتار گزارش شد. پاسخ‌گویان به‌طور متوسط ۳/۵ رأس دام داشتند و میزان درآمد ماهیانه آن‌ها به‌طور متوسط ۱۱۵۰۸۰۰۰ ریال گزارش شد. آنها اظهار داشتند به‌طور متوسط در روز ۴/۱۱

درصد از پاسخ‌گویان در مدیریت روستا عضویت داشتند. بیش‌ترین فراوانی (۹۱/۱ درصد) مربوط به افرادی است که دارای ملک شخصی بودند. اندکی بیش از ۳۰ درصد از پاسخ‌گویان، خودروی شخصی و ۴۸/۱ درصد نیز موتورسیکلت داشتند. از بین پاسخ‌گویان، ۸۹/۵ درصد دارای خانواده هسته‌ای و ۷۱/۳ در مرکز روستا ساکن بودند. اندکی بیش از ۵۲ درصد از پاسخ‌گویان، تلفن ثابت و تلفن همراه و فقط ۱/۳ درصد، اینترنت داشتند.

وضعیت سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد

مطالعه: بر اساس الگوی نظری، سرمایه اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه در قالب چهار مؤلفه‌ی شبکه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی سنجیده شد. از بین گویه‌های مؤلفه شبکه اجتماعی، مواردی مانند ارتباط با خویشاوندان، ارتباط با همسایه‌ها و حل مسایل و مشکلات از طریق گفت‌وگو و ریش‌سفیدی، اهمیت بیش‌تری داشت. ذیل مؤلفه‌ی اعتماد اجتماعی، مواردی مانند اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به اقوام و خویشاوندان و صداقت مردم روستا، رتبه بالاتری داشت (جدول ۱).

جدول ۱: توصیف نشانگرهای مؤلفه اعتماد و شبکه‌ی اجتماعی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشانگرها	مؤلفه
۱	۱۴/۴۰	۰/۶۱	۴/۲۴	ارتباط خوبی با خویشاوندان و فامیل دارم.	شبکه‌ی اجتماعی (عضویت، تعامل و انسجام اجتماعی)
۲	۱۶/۶۰	۰/۶۷	۴/۰۲	ارتباط صمیمی و نزدیکی با همسایه‌ها دارم.	
۳	۱۶/۷۰	۰/۷۱	۴/۲۳	سعی می‌کنم مسایل و مشکلات را از طریق گفت‌وگو و ریش‌سفیدی حل کنم تا اینکه به مراجع رسمی (دادسرا و...) مراجعه کنم.	
۴	۱۷/۳۰	۰/۷۵	۴/۳۲	معمولاً مردم محل به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی (مذهبی) احترام می‌گذارند.	
۵	۱۸/۳۰	۰/۷۳	۳/۹۶	معمولاً افرادی در محل هستند که با من هم‌نظر باشند و بتوانم با آنها هم‌سخن شوم.	
۶	۱۸/۳۰	۰/۷۰	۳/۸۳	در روستا افراد موجه‌ای هستند که مردم از آنها پیروی می‌کنند (رهبران افکار).	
۷	۱۸/۵۰	۰/۷۲	۳/۹۰	مردم این روستا در گرفتاری‌ها (تنگدستی، بیماری و...) به همدیگر کمک می‌کنند.	
۸	۱۸/۵۰	۰/۷۳	۳/۹۲	افرادی در محل هستند که بتوانم در گرفتاری‌ها روی آنها حساب کنم.	
۹	۲۰/۴۰	۰/۷۸	۳/۷۹	اختلاف و درگیری جدی (قومی، ملکی و...) بین مردم محل وجود ندارد.	
۱۰	۲۱/۲۰	۰/۷۶	۳/۵۸	من وقت زیادی برای ارتباطات اجتماعی‌ام (دیدن دوستان، گفت‌وگو، مهمانی و...) صرف می‌کنم.	
۱۱	۲۲/۱۰	۰/۸۱	۳/۶۵	مردم این روستا مشارکت و همکاری فعالی در تشکل‌های محلی (تعاونی، صندوق اعتباری، هیأت مذهبی و...) دارند.	
۱۲	۲۵/۹۰	۰/۸۷	۳/۳۶	به برگزاری مراسم و دعوت از مردم محل برای حضور در آن اقدام می‌کنم.	
۱۳	۳۱/۲۰	۱/۰۲	۳/۲۵	در گردهمایی‌ها و جلسات رسمی (همانند جلسات شورا، تعاونی و...) حضور فعال دارم.	
۱۴	۴۷/۰۰	۱/۸۲	۳/۸۷	احساس می‌کنم بین مردم محل صمیمیت و یکرنگی وجود دارد.	
۱۵	۶۵/۶۰	۲/۴۸	۳/۷۸	تفاوت زیادی بین مردم روستا به لحاظ اقتصادی (ثروت و معیشت)، فرهنگی (سبک زندگی)، اجتماعی (شان و جایگاه خانوادگی) وجود ندارد.	
۱۶	۶۵/۸۰	۲/۸۱	۴/۲۷	همواره در مراسم محلی (جشن‌ها، عزاداری‌ها و...) روستا شرکت می‌کنم.	
۱۷	۷۸/۰۰	۲/۵۷	۳/۲۹	تلاش می‌کنم عضو فعال تشکل‌های اجتماعی روستا اعم از بسیج، شورا و... خود باشم.	
۱	۱۲/۲۰	۰/۵۳	۴/۷۳	به اعضای خانواده خود اعتماد دارم.	اعتماد
۲	۱۵/۸۰	۰/۶۵	۴/۱۱	به اقوام و خویشاوندان خود اعتماد دارم.	
۳	۱۶/۴۰	۰/۶۴	۳/۸۸	مردم روستا روی هم‌رفته با من صادق و روراست هستند.	
۴	۱۶/۶۰	۰/۶۴	۳/۸۷	در کل، مردم روستا قابل اعتماد هستند.	
۵	۱۷/۲۰	۰/۷۰	۴/۰۶	به دوستان خود اعتماد دارم.	
۶	۱۷/۴۰	۰/۷۱	۴/۰۴	به همسایگان خود اعتماد دارم.	

۷	۱۸/۲۰	۰/۶۸	۳/۷۴	به نهادهای دولتی مرتبط (جهاد کشاورزی، بانکها و اداره تعاون) اعتماد دارم.
۸	۲۰/۴۰	۰/۷۵	۳/۶۶	به مدیریت روستا (شورا و دهیاری محل) اعتماد دارم.
۹	۲۰/۶۰	۰/۸۱	۳/۹۰	اطرافیان حاضرند در مواقع مورد نیاز ضمانت و تأییدم کنند.
۱۰	۲۶/۰۰	۰/۹۲	۳/۵۲	حاضر ضامن آشنایان (همسایه‌ها یا خویشاوندان) برای گرفتن وام شوم.

نیز گویه‌های «با قوانین و مقررات مرتبط با کار و زندگی آشنا هستم، همواره می‌کوشم از سیاست‌ها و اقدامات جاری دولت اطلاع کسب کنم و با وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های دولتی محل آشنا هستم»، رتبه بالاتری داشت (جدول ۲).

درباره مؤلفه مشارکت، گویه‌های «همواره سعی می‌کنم در انتخابات برگزار شده در سطح روستا شرکت کنم و با دادن پیشنهاد و ارائه نظرات خود به مسئولان محلی به پیشبرد امور روستا کمک می‌کنم و مردم روستا را به حل مسایل و مشکلات روستا ترغیب می‌کنم»، رتبه بالاتری دارد. از نظر آگاهی اجتماعی

جدول ۲: توصیف نشانگرهای مؤلفه مشارکت و آگاهی اجتماعی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشانگرها	گروه
۱	۱۷/۹۰	۰/۷۵	۴/۲۱	همواره سعی می‌کنم در انتخابات برگزار شده در سطح روستا شرکت کنم.	مشارکت اجتماعی
۲	۲۷/۴۰	۰/۹۰	۳/۲۸	با دادن پیشنهاد و ارائه نظرات خود به مسئولان محلی به پیشبرد امور روستا کمک می‌کنم (مشارکت فکری).	
۳	۲۷/۶۰	۰/۹۱	۳/۲۸	مردم روستا را به حل مسایل و مشکلات روستا ترغیب می‌کنم.	
۴	۲۷/۸۰	۰/۹۲	۳/۳۰	در صورت نیاز و توان، حاضر به لحاظ اقتصادی (دادن پول، زمین و...) به پیشبرد امور عمومی روستا کمک کنم (خودیاری).	
۵	۳۰/۳۰	۰/۹۴	۳/۱۱	همواره از طریق مراجعه حضوری یا مکاتبه، پیگیر رفع مشکلات محله خود هستم.	
۶	۳۲/۳۰	۰/۹۹	۳/۰۵	این قدرت و نفوذ را دارم که مردم محل را برای انجام کارهای گروهی دور هم جمع کنم.	
۱	۱۸/۹۰	۰/۷۲	۳/۷۸	با قوانین و مقررات مرتبط با کار و زندگی (گرفتن وام، معامله و...) آشنا هستم.	آگاهی اجتماعی
۲	۲۰/۴۰	۰/۷۵	۳/۷۱	همواره می‌کوشم از سیاست‌ها و اقدامات جاری دولت اطلاع کسب کنم.	
۳	۲۲/۸۰	۰/۸۲	۳/۶۰	با وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های دولتی (دهیاری، تعاونی و...) محل آشنا هستم.	
۴	۲۴/۲۰	۰/۸۲	۳/۳۶	از دانش و مهارت لازم در امور فنی و تولیدی برخوردارم.	
۵	۶۰/۲۰	۲/۲۹	۳/۸۰	همواره در جریان اخبار، اتفاقات و تحولات روستا هستم.	
۶	۶۵/۴۰	۱/۹۷	۳/۰۲	طرف تعامل و مشورت مردم محل هستم (مرجع بودن).	

میانگین ردیفی گویه‌ها به عنوان متغیر ترکیبی این قسمت به دست آمد و پس از محاسبه انحراف معیار و میانگین ستونی این متغیر نهایی از روش زیر، طبقه‌بندی‌ها محاسبه شد:

$$A = \text{کم} \leq \text{Mean} - \text{Sd}$$

$$C = \text{زیاد} : \text{Mean} \leq C \leq \text{Mean} + \text{Sd}$$

متوسط، ۳۸/۵ درصد در سطح زیاد (خوب) و ۴/۸ درصد در سطح خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

برای توصیف کلی سرمایه اجتماعی، به ساخت شاخص ترکیبی و محاسبه ISDM یا اختلاف انحراف معیار از میانگین اقدام شد. با توجه به این که دامنه پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت، در دامنه یک (کاملاً مخالفم) و پنج (کاملاً موافقم) قرار داشت، ابتدا

$$B = \text{متوسط} : \text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean}$$

$$D = \text{خیلی زیاد} : \text{Mean} + \text{Sd} \leq D$$

بر این اساس ۴/۶ درصد از پاسخ‌گویان سرمایه اجتماعی را در سطح کم، ۵۰/۳ درصد در سطح

وضعیت حکمروایی شایسته در روستاهای مورد

مطالعه: ارزیابی وضعیت حکمروایی شایسته در قالب چهار مؤلفه مشارکت‌گرایی، قانون‌مندی و عدالت محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی صورت گرفت. از بین گویه‌های توصیف‌کننده مؤلفه مشارکت‌گرایی، «مدیریت روستا با نهادهای دولتی در اجرای طرح‌ها همکاری مطلوبی دارد، مدیریت روستا حضور فعالانه‌ای در مراسم و گردهمایی‌هایی روستا دارد و دهیار و اعضای شورای اسلامی روستا، همکاری و هماهنگی لازم را در مدیریت روستا با هم دارند. مدیریت روستا تلاش می‌کند منابع مورد نیاز (مالی، انسانی و...) برای عمران و آبادی روستا را از مردم روستا تأمین کند (همیاری). مدیریت روستا، توانمندی و نفوذ لازم را برای سامان‌دهی و بسیج مردم برای کارهای گروهی و جمعی دارد. مدیریت روستا از نظرات اهالی محل در تصمیم‌سازی‌های مربوط به روستا استفاده می‌کند. مدیریت روستا از ایده‌ها و نظرات مردم روستا در برنامه‌ریزی و مدیریت امور بهره می‌گیرد. مدیریت روستا با سایر تشکل‌های محلی (پایگاه بسیج، تعاونی‌ها و...) همکاری می‌کند. مدیریت روستا به قوانین و مقررات در حوزه کاری خود آگاهی و تسلط دارد. مدیریت روستا می‌کوشد با رعایت حقوق افراد، منافع آن‌ها را تأمین کند. مدیریت روستا قوانین و مقررات در حوزه فعالیت کاری را رعایت می‌کند. مدیریت روستا از نفوذ و قدرت خود برای کسب منفعت شخصی و فامیلی سوءاستفاده نمی‌کند. مدیریت روستا به عرف و هنجارهای رایج (آداب و رسوم) در روستا در صورت مغایرت نبودن با قانون رسمی احترام می‌گذارد. خدمات و امکانات روستا به صورت عادلانه در اختیار همه اهالی روستا قرار می‌گیرد. مدیریت روستا بر مبنای ضابطه و نه رابطه (جانبداری و پارتی‌بازی) به تقاضاهای مردم روستا رسیدگی می‌کند. ملاک تعامل و همکاری مدیریت روستا با افراد، توانمندی و قابلیت آن‌هاست (شایسته‌سالاری).

اسلامی روستا، همکاری و هماهنگی لازم را در مدیریت روستا با هم دارند، وضعیت بهتری دارد. ذیل مؤلفه قانون‌مندی و عدالت‌محوری نیز گویه‌های «مدیریت روستا به قوانین و مقررات در حوزه کاری خود آگاهی و تسلط دارد، مدیریت روستا می‌کوشد با رعایت حقوق افراد، منافع آن‌ها را تأمین کند و مدیریت روستا قوانین و مقررات در حوزه فعالیت کاری را رعایت می‌کند»، رتبه بالاتری داشتند (جدول ۳).

جدول ۵: توصیف نشانگرهای مؤلفه مشارکت‌گرایی، قانون‌مندی و عدالت‌محوری

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشانگرها	مؤلفه
۱	۲۱/۸۰	۰/۷۹	۳/۶۰	مدیریت روستا با نهادهای دولتی در اجرای طرح‌ها همکاری مطلوبی دارد.	مشارکت‌گرایی
۲	۲۲/۷۰	۰/۹۰	۳/۹۶	مدیریت روستا، حضور فعالانه‌ای در مراسم و گردهمایی‌هایی روستا (جشن‌ها، اعیاد و...) دارد.	
۳	۲۲/۷۰	۰/۸۴	۳/۶۶	دهیار و اعضای شورای اسلامی روستا، همکاری و هماهنگی لازم را در مدیریت روستا با هم دارند.	
۴	۲۳/۵۰	۰/۸۴	۳/۵۵	مدیریت روستا تلاش می‌کند منابع مورد نیاز (مالی، انسانی و...) برای عمران و آبادی روستا را از مردم روستا تأمین کند (همیاری).	
۵	۲۵/۲۰	۰/۸۹	۳/۵۲	مدیریت روستا، توانمندی و نفوذ لازم را برای سامان‌دهی و بسیج مردم برای کارهای گروهی و جمعی دارد.	
۶	۲۵/۳۰	۰/۸۲	۳/۲۵	مدیریت روستا از نظرات اهالی محل در تصمیم‌سازی‌های مربوط به روستا استفاده می‌کند.	
۷	۴۳/۵۰	۱/۴۰	۳/۲۲	مدیریت روستا از ایده‌ها و نظرات مردم روستا در برنامه‌ریزی و مدیریت امور بهره می‌گیرد.	
۸	۷۹/۳۰	۳/۰۱	۳/۸۰	مدیریت روستا با سایر تشکل‌های محلی (پایگاه بسیج، تعاونی‌ها و...) همکاری می‌کند.	
۱	۱۹/۰۰	۰/۷۱	۳/۷۴	مدیریت روستا به قوانین و مقررات در حوزه کاری خود آگاهی و تسلط دارد.	قانون‌مندی و عدالت‌محوری
۲	۲۲/۲۰	۰/۷۸	۳/۵۲	مدیریت روستا می‌کوشد با رعایت حقوق افراد، منافع آن‌ها را تأمین کند.	
۳	۲۲/۳۰	۰/۷۹	۳/۵۳	مدیریت روستا قوانین و مقررات در حوزه فعالیت کاری را رعایت می‌کند.	
۴	۲۳/۱۰	۰/۸۰	۳/۴۷	مدیریت روستا از نفوذ و قدرت خود برای کسب منفعت شخصی و فامیلی سوءاستفاده نمی‌کند.	
۵	۲۳/۴۰	۰/۸۹	۳/۸۰	مدیریت روستا به عرف و هنجارهای رایج (آداب و رسوم) در روستا در صورت مغایرت نبودن با قانون رسمی احترام می‌گذارد.	
۶	۲۴/۰۰	۰/۸۵	۳/۵۴	خدمات و امکانات روستا به صورت عادلانه در اختیار همه اهالی روستا قرار می‌گیرد.	
۷	۲۶/۶۰	۰/۸۳	۳/۱۱	مدیریت روستا بر مبنای ضابطه و نه رابطه (جانبداری و پارتی‌بازی) به تقاضاهای مردم روستا رسیدگی می‌کند.	
۸	۲۷/۰۰	۰/۸۸	۳/۲۷	ملاک تعامل و همکاری مدیریت روستا با افراد، توانمندی و قابلیت آن‌هاست (شایسته‌سالاری).	

از میان گویه‌های توصیف‌کننده مؤلفه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، «مدیریت روستا به قوانین و مقررات در حوزه کاری خود آگاهی و تسلط دارد، مدیریت روستا می‌کوشد با رعایت حقوق افراد،

منافع آن‌ها را تأمین کند و مدیریت روستا قوانین و مقررات در حوزه فعالیت کاری را رعایت می‌کند» و ذیل مؤلفه شفافیت کارایی و اثربخشی، «مدیریت روستا، توانمندی‌های لازم را برای انجام وظایف خویش

دارد، مدیریت روستا در حل اختلافات بین مردم روستا و ایجاد هماهنگی بین آنها تلاش مؤثر دارد، مدیریت روستا در اجرای طرح‌های عمرانی با همکاری نهادهای مسئول موفق عمل کرده است»، رتبه بالاتری داشتند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از دید پاسخ‌گویان، مدیریت روستا از نظر این نشانگرها خوب عمل کرده است (جدول ۴).

جدول ۴: توصیف نشانگرهای مؤلفه مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشانگرها	مولفه
۱	۲۲/۴۰	۰/۸۱	۳/۶۱	مدیریت روستا در قبال وظایف و مسئولیت‌ها و اقدامات خود به نهادهای مسئول (بخشداری، جهاد، بنیاد مسکن و...) گزارش می‌دهد.	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی
۲	۲۳/۰۰	۰/۸۱	۳/۴۹	مسائل و مشکلات روستا را تا نهایت توان پیگیری می‌کند.	
۳	۲۴/۶۰	۰/۸۴	۳/۴۳	تقاضاها و شکایات مراجعین از اداره‌های مربوطه را در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیگیری می‌کند.	
۴	۲۵/۱۰	۰/۹۰	۳/۵۷	دهیار در قبال اقدامات خود به شورای اسلامی روستا، پاسخ‌گو است.	
۵	۲۵/۴۰	۰/۷۹	۳/۱۱	مدیریت روستا پایبند وعده‌ها و برنامه‌های خود پیش از انتخاب و انتصاب است.	
۶	۲۵/۹۰	۰/۷۸	۳/۰۱	مردم روستا به صورت آشکار و بدون پنهان‌کاری در جریان تصمیمات و فعالیت‌های مدیریت روستا قرار دارند.	
۷	۲۶/۶۰	۰/۸۸	۳/۳۰	مدیریت روستا درباره وظایف و مسئولیت‌ها و اقدامات خود به مردم روستا توضیح می‌دهند.	
۸	۲۸/۹۰	۰/۸۴	۲/۸۹	عملکرد مدیریت روستا توسط مردم روستا کنترل و نظارت می‌شود.	
۹	۶۴/۲۰	۱/۸۹	۲/۹۵	مدیریت روستا در صورت کوتاهی و خطا در انجام امور به آن اذعان می‌کنند و در پی جبران خسارت برمی‌آیند.	
۱	۲۰/۰۰	۰/۷۲	۳/۶۱	مدیریت روستا، توانمندی‌های لازم را برای انجام وظایف خویش دارد.	شفافیت، کارایی و اثربخشی
۲	۲۱/۱۰	۰/۷۸	۳/۶۹	مدیریت روستا در حل اختلافات بین مردم روستا و ایجاد هماهنگی بین آنها تلاش مؤثر دارد.	
۳	۲۱/۸۰	۰/۷۵	۳/۴۲	مدیریت روستا در اجرای طرح‌های عمرانی با همکاری نهادهای مسئول موفق عمل کرده است.	
۴	۲۲/۹۰	۰/۸۵	۳/۶۹	مدیریت روستا با همکاری نهادهای ذی‌ربط (نیروی انتظامی) در برقراری امنیت و آرامش در روستا می‌کوشد.	
۵	۲۳/۷۰	۰/۸۲	۳/۴۷	شورای اسلامی در انتخاب دهیار به توانمندی‌های مورد نیاز توجه می‌کند.	
۶	۲۳/۷۰	۰/۸۱	۳/۴۳	به‌طور کلی مردم از مدیریت روستا رضایت دارند.	
۷	۲۴/۳۰	۰/۸۰	۳/۲۸	مدیریت روستا از منابع موجود و قابل دسترس، بهترین استفاده را برای آبادی روستا می‌کنند.	
۸	۲۴/۴۰	۰/۸۴	۳/۴۲	مدیریت روستا در هماهنگی فعالیت‌ها و اقدامات نهادهای مسئول در روستا موفق عمل می‌کند.	
۹	۲۴/۸۰	۰/۸۵	۳/۴۲	مدیریت روستا با ارتباط مؤثر با نهادهای مسئول، منابع و اعتبارات عمرانی لازم را جذب می‌کند.	
۱۰	۲۵/۵۰	۰/۸۴	۳/۳۰	شورای اسلامی، نظم و انضباط لازم را در برگزاری جلسات و پیگیری امور دارد.	
۱۱	۲۷/۳۰	۰/۸۷	۳/۱۹	مدیریت روستا تلاش می‌کند با ابتکار و نوآوری، اقدامات و فعالیت‌های خود در روستا را به صورت مستمر بهبود دهد.	
۱۲	۲۷/۴۰	۰/۸۹	۳/۲۴	مدیریت روستا، وقت کافی را صرف بازدید میدانی و سرکشی از امور روستا می‌کند.	
۱۳	۲۷/۴۰	۰/۸۹	۳/۲۵	مدیریت روستا پیگیر اجرایی شدن طرح‌های هادی در روستاست.	

۱۴	۲۷/۸۰	۰/۸۳	۲/۹۸	مدیریت روستا در توسعه و نگهداری از زیرساخت‌های روستا (معابر، شبکه فاضلاب و...) موفق است.
۱۵	۳۰/۸۰	۰/۹۶	۳/۱۱	مدیریت روستا نهایت تلاش خود را برای حفظ منابع عمومی و محیط‌زیست روستا انجام می‌دهد.
۱۶	۳۳/۱۰	۰/۹۹	۲/۹۸	مدیریت روستا در ارتقای سطح فرهنگی روستا با انجام اقدامات مناسب آموزشی، ورزشی و تفریحی و مذهبی موفق بوده است.
۱۷	۳۸/۵۰	۱/۴۱	۳/۶۶	شورای اسلامی بر عملکرد عمرانی، مالی و... دهیار نظارت می‌کند.
۱۸	۴۷/۰۰	۱/۸۸	۴	مردم روستا در موارد نیاز به مدیریت روستا دسترسی دارند.
۱۹	۴۸/۱۰	۱/۷۷	۳/۶۸	مدیریت روستا، صداقت لازم (راست‌گویی و رازداری) را در برخورد با مردم دارد.
۲۰	۵۴/۳۰	۱/۸۶	۳/۴۳	تلاش مدیریت روستا، کاهش هزینه‌های روستاست.

شاخص سرمایه اجتماعی کل با سه مؤلفه‌ی قانونمندی و عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، شفافیت کارایی و اثربخشی و شاخص حکمروایی شایسته، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین شاخص سرمایه اجتماعی کل و شاخص حکمروایی شایسته، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. از بین مؤلفه‌های حکمروایی شایسته، مؤلفه‌ی مشارکت‌گرایی، رابطه مثبت معنی‌داری با مؤلفه‌ی مشارکت و شاخص سرمایه اجتماعی کل دارد.

روی هم رفته، ۳/۵ درصد از پاسخ‌گویان، سطح حکمروایی شایسته در روستا را کم و ۴۶/۵ درصد نیز آن در سطح متوسط ارزیابی کردند. از طرفی ۴۷/۱ درصد آنها اعتقاد داشتند که حکمروایی شایسته روستاهای آن‌ها در سطح زیاد (خوب) قرار دارد و ۲/۹ درصد نیز حکمروایی شایسته روستا را در سطح خیلی زیاد ارزیابی کردند.

همبستگی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته: طبق جدول (۵)، بین سه مؤلفه‌ی شبکه اجتماعی، اعتماد، آگاهی اجتماعی و

جدول ۵: رابطه میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های حکمروایی شایسته

مؤلفه‌های حکمروایی شایسته	مشارکت‌گرایی	قانونمندی و عدالت‌محوری	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی	شفافیت، کارایی و اثربخشی	حکمروایی شایسته
شبکه اجتماعی	۰/۰۳۷	۰/۳۶۶**	۰/۲۴۲**	۰/۲۸۷**	۰/۳۰۲**
اعتماد	۰/۰۴۷	۰/۶۱۲**	۰/۵۶۸**	۰/۴۹۳**	۰/۵۸۰**
مشارکت	۰/۴۹۴**	۰/۰۴۳	۰/۰۶۴	۰/۰۴۴	۰/۳۱۲**
آگاهی اجتماعی	۰/۰۲۷	۰/۵۲۴**	۰/۳۴۹**	۰/۳۹۹**	۰/۴۲۰**
سرمایه اجتماعی	۰/۲۳۶**	۰/۵۶۸**	۰/۴۴۰**	۰/۴۴۸**	۰/۵۹۶**

** معنی‌داری سطح ۰/۰۵، * معنی‌داری سطح ۰/۰۱

معنی‌داری وجود دارد. به علاوه بین سال‌های عضویت در انجمن اولیا و رضایت از شرایط زندگی در روستا با شاخص حکمروایی شایسته نیز رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های جدول (۶)، بین متغیرهای تعداد دوستان در محل، تعداد ملاقات هفتگی با همسایگان، تعداد خانوار هم‌محلی دارای رفت‌وآمد، تفریح رفتن و شاخص سرمایه اجتماعی، رابطه مثبت

جدول ۶: رابطه میان برخی متغیرهای فردی پاسخ‌گویان با سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته

متغیرهای فردی	سرمایه اجتماعی	حکمروایی شایسته
سن	-۰/۰۲۵	-۰/۰۳۱
سابقه سکونت در روستا	-۰/۰۵۱	-۰/۰۸۸
تعداد اعضای خانواده	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲
تعداد اعضای دانشجو در خانواده	۰/۰۲۷	-۰/۰۹۴
تعداد خانوار فامیل ساکن در روستا	-۰/۰۷۷	-۰/۰۴۰
مالکیت زمین زراعی	-۰/۰۱۲	-۰/۰۴۵
مالکیت باغ	۰/۰۱۳	-۰/۰۲۷
مالکیت دام	-۰/۰۸۲	-۰/۰۳۰
میزان درآمد ماهیانه	-۰/۰۲۰	-۰/۱۰۲
تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو	۰/۰۲۴	-۰/۰۲۲
مراجعه به شهر در طول هفته	۰/۰۴۲	-۰/۰۴۸
تعداد دوستان در محل	۰/۱۱۴*	۰/۱۰۰
تعداد همسایگانی که در هفته گذشته با آنها ملاقات داشتید	۰/۱۲۵*	۰/۰۸۲
تعداد افراد هم‌محلی که در یک روز با آنها صحبت می‌کنید	۰/۰۸۹	-۰/۰۱۰
دفعات رفتن به تفریح با آشنایان در یک سال	۰/۱۶۳**	۰/۰۵۵
تعداد خانوار هم‌محلی که با آنها رفت‌وآمد خانوادگی دارید	۰/۱۲۸*	-۰/۰۴۳
عضویت در بسیج	۰/۰۶۰	-۰/۰۳۹
عضو انجمن اولیا	۰/۰۷۲	۰/۱۲۴*
عضویت در صندوق قرض‌الحسنه	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۳
عضو هیأت امنای مسجد	۰/۰۷۱	۰/۰۳۱
رضایت از شرایط زندگی در روستا	۰/۰۳۰	۰/۴۲۴**

*معنی‌داری سطح ۰/۰۵، **معنی‌داری سطح ۰/۰۱

سرمایه اجتماعی را بالاتر ارزیابی کردند. همچنین پاسخ‌گویانی که اعضای خانواده آنها در مدیریت روستا (شورا یا دهیاری) نقش داشته است، سطح سرمایه اجتماعی در روستا را بالاتر ارزیابی کردند.

مقایسه سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته در بین روستاییان: ارزیابی گروه‌های مختلف پاسخ‌گویان از سطح حکمروایی شایسته یکسان است (جدول ۷). اما درباره سرمایه اجتماعی تفاوت معنی‌داری بین ارزیابی پاسخ‌گویان مجرد و متأهل وجود دارد و متأهلان سطح

جدول ۷: مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته در بین گروه‌های مختلف پاسخ‌گویان

متغیر گروه‌بندی	نوع متغیر	سرمایه اجتماعی		حکمروایی شایسته	
		t	میانگین	t	میانگین
وضعیت تأهل	متأهل	-۲/۱۳*	۳/۴۴	-۰/۹۳۲	۳/۳۵
	مجرد		۳/۷۸		۳/۶۰
متولد روستا	بلی	۰/۱۲۲	۳/۷۵	-۰/۷۴۹	۳/۵۵
	خیر		۳/۷۳		۳/۸۸
تعلق به فامیل غالب	بلی	۰/۳۷۷	۳/۷۷	۰/۱۷۸	۳/۵۹
	خیر		۳/۷۴		۳/۵۷
عضویت اعضای خانواده در مدیریت روستا	بلی	۲/۰۹*	۳/۹۴	۱/۶۶۴	۳/۹۶
	خیر		۳/۷۱		۳/۴۹
نوع خانواده	گسترده	۱/۵۰۰	۴/۱۴	۱/۷۵۱	۴/۴۰
	هسته‌ای		۳/۷۱		۳/۴۸
محل استقرار خانه	مرکز روستا	۰/۵۳۰	۳/۷۷	-۰/۸۰۹	۳/۵۴
	حاشیه روستا		۳/۷۱		۳/۶۷
عضویت در نهادها	بلی	۲/۱۸*	۳/۸۳	۰/۳۳	۳/۵۹
	خیر		۳/۶۵		۳/۵۵

*معنی‌داری سطح ۰/۰۵، **معنی‌داری سطح ۰/۰۱

تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با افزایش جمعیت روستاها، سطح حکمروایی شایسته نیز افزایش یافته است. اما درباره سرمایه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری بین روستاها مشاهده نشده است.

با توجه به یافته‌های جدول (۸)، ارزیابی پاسخ‌گویان از سطح حکمروایی شایسته یکسان نیست و افراد روستایی، دیدگاه مشابهی در این زمینه ندارند و بین روستاهایی با سطوح جمعیتی مختلف در سطح اطمینان ۹۹ درصد به لحاظ حکمروایی شایسته،

جدول ۸: مقایسه سرمایه‌های اجتماعی و حکمروایی شایسته در بین روستاهای با سطوح جمعیتی مختلف

حکمروایی شایسته		سرمایه اجتماعی		سطح جمعیت	متغیر گروه‌بندی
F	میانگین	F	میانگین		
۱۳/۲۱۰**	۳/۰۴۳	۲/۶۸۷	۳/۵۸۵	۵۰۰ - ۱۰۰ نفر (۱)	جمعیت
	۳/۴۹۰		۳/۷۹۳	۱۰۰۰ - ۵۰۰ نفر (۲)	
	۳/۸۵۳		۳/۸۱۱	بیش‌تر از ۱۰۰۰ نفر (۳)	
	۱ < ۲ < ۳				نتایج LSD

*معنی‌داری سطح ۰/۰۵، **معنی‌داری سطح ۰/۰۱

کارکرد مدیریتی، تأثیر چشم‌گیر داشته است. مشارکت در هر دو بعد یعنی سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته وجود داشته است؛ اما در بعد سرمایه اجتماعی، عرضه مشارکت و در بعد حکمروایی شایسته، تقاضا برای مشارکت و بهره‌گیری از آن مطرح است. به زبان دیگر، حکمروایی شایسته می‌کوشد از مشارکت شکل‌گرفته در نظام سرمایه اجتماعی بهره‌گیرد و زمینه‌ساز جلب و سامان‌دهی مشارکت اجتماعی در امور روستا باشد. بنابراین زمانی که مدیریت روستا سعی در جلب مشارکت مردم روستا برای برنامه‌ریزی و مدیریت امور و اجرای آن‌ها دارد، ضمن جهت‌دهی و تقویت مشارکت اجتماعی و در نتیجه بهبود سرمایه اجتماعی، امور روستا نیز شفاف‌تر و با پشتوانه مردمی و اثربخش‌تر به انجام می‌رسد و به عبارتی مدیریت روستا به حکمروایی شایسته سوق پیدا می‌کند.

بین متغیرهای تعداد دوستان در محل، تعداد ملاقات هفتگی با همسایگان، تعداد خانوار هم‌محلی دارای رفت‌وآمد، و شاخص سرمایه اجتماعی و نیز بین متغیرهای تفریح رفتن و شاخص سرمایه اجتماعی، رابطه مثبت معنی‌داری به دست آمده است. این یافته با نتایج تحقیق دربان‌آستانه و رضوانی (۱۳۹۰) همسو است. به علاوه بین سال‌های عضویت در انجمن و اولیا و شاخص حکمروایی شایسته رابطه مثبت معنی‌داری

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق با هدف بررسی سرمایه اجتماعی و حکمروایی شایسته در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار نشان داد که بین سه مؤلفه شبکه-اجتماعی، اعتماد، آگاهی اجتماعی و شاخص سرمایه اجتماعی کل با سه مؤلفه قانون‌مندی و عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، شفافیت‌کاری و اثربخشی و شاخص حکمروایی شایسته، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی با بهبود مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، حکمروایی شایسته در سطح روستا نیز بهبود می‌یابد. در واقع با افزایش میزان اعتماد، آگاهی اجتماعی و شبکه اجتماعی روستاییان، مدیریت روستا نیز سعی بر این دارد تا در اجرای امور مربوط به روستا قانونمندتر و نسبت به مسئولیت محول شده به آن پاسخ‌گو باشد و در قبال مردم روستا امور را با شفافیت و اثربخشی بیش‌تر انجام دهد. این‌ها مواردی است که منجر به بهبود حکمروایی شایسته در سطح روستا می‌شود.

نتایج تحقیقات مختلف نیز بیانگر این بوده است که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در روستا، حکمروایی شایسته نیز افزایش می‌یابد و امور مربوطه نیز تسهیل می‌شود. این یافته با نتایج تحقیق سردارنیا (۱۳۹۰) همسو است که بیان می‌کند سطح بالای تماس و همکاری میان مدیریت و سرمایه اجتماعی بر

جمعیت است. این یافته با نتایج تحقیق دربان آستانه و رضوانی (۱۳۹۰) همسو است.

پیشنهادها

در ادامه چند پیشنهاد مرتبط با حکروایی شایسته مبتنی بر سرمایه اجتماعی ارائه شده است که برخی از آن‌ها در قلمرو وظایف و حیطة تأثیرگذاری مدیریت روستا (شورا و دهیاری) و برخی دیگر مرتبط با وظایف حمایتی - هدایتی نهادهای مسئول است:

- دعوت مدیریت روستا (دهیار و شورا) از نمایندگان اقشار مختلف روستا برای حضور در نشست‌ها و جلسات رسمی به منظور آگاهی از خواسته‌ها، مسایل و مشکلات آنها و برنامه‌ریزی مشترک برای توسعه‌ی روستا و بهره‌گیری از ظرفیت اجتماعی ریش‌سفیدان و متنفذان اجتماعی برای جلب مشارکت مردم در پیشبرد امور جاری و عمرانی و نیز بهره‌گیری از توان متخصصان و جوانان تحصیل کرده برای کمک به پیشرفت و آبادی روستا (مؤلفه مشارکت‌گرایی).
- اطلاع‌رسانی منظم و مناسب از طرف مدیریت روستا به اهالی روستا درباره برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده و یا در حال انجام (مؤلفه شفافیت و آگاهی اجتماعی).
- شناسایی ظرفیت‌ها، منابع و امکانات موجود در سطح روستا و برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از آن، توأم با معرفی مناسب پتانسیل‌های موجود برای جلب گردشگر، سرمایه‌گذار و نیز ارتقای هویت فرهنگی روستا (مؤلفه کارایی و اثربخشی).
- تدوین برنامه برای توسعه و پیشرفت روستا و جهت‌دهی همه اقدامات و فعالیت‌ها در چارچوب آن از سوی مدیریت روستا، پایبندی به قوانین و مقررات موجود در حوزه فعالیت مدیریت روستا به‌ویژه طرح‌های هادی، توأم با گزارش‌دهی شفاف به مردم روستا از طرف مدیریت روستا درباره تخصیص منابع و اعتبارات و پرهیز از فامیل‌گرایی و فرقه‌گرایی در مدیریت روستا و رعایت عدالت و برابری و قانون‌مداری در ارائه خدمات به عامه

بدست آمده است. این یافته بیانگر این است که مشارکت بیش‌تر در چنین نهادهای اجتماعی می‌تواند منجر به بهبود حکروایی شایسته در سطح روستا شود. به علاوه بین رضایت از شرایط زندگی در روستا و شاخص حکروایی شایسته نیز رابطه مثبت معنی‌داری به دست آمده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با بهبود عملکرد مدیریت روستا از طریق اعمال حکروایی شایسته، رضایت مردم روستایی از شرایط زندگی خود در روستا نیز افزایش می‌یابد.

نتایج این تحقیق نشان داد که ارزیابی گروه‌های مختلف پاسخ‌گویان از سطح حکروایی شایسته یکسان است و گروه‌های مختلف پاسخ‌گویان، دیدگاه مشابهی در این زمینه داشته‌اند. اما درباره سرمایه اجتماعی، تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پاسخ‌گویان مجرد و متأهل وجود دارد و افراد متأهل، سطح سرمایه اجتماعی را بیش‌تر از افراد مجرد ارزیابی کردند. با ازدواج افراد، دامنه روابط آن‌ها با دیگران و همکاری اجتماعی در امور محلی بیش‌تر می‌شود؛ در نتیجه انتظار می‌رود که سطح سرمایه اجتماعی را بیش‌تر از افراد مجرد ارزیابی کنند. همچنین دو گروه پاسخ‌گویان عضو و غیر عضو در نهادهای اجتماعی نیز ارزیابی مشابهی از سطح سرمایه اجتماعی نداشته‌اند. به عبارت دیگر عضویت در نهادها باعث افزایش روابط و همچنین افزایش میزان آگاهی و اعتماد و مشارکت افراد می‌شود و در نتیجه سطح سرمایه اجتماعی را بالا می‌برد. مقایسه سرمایه اجتماعی و حکروایی شایسته برحسب سطح تحصیلات نشان داده است که ارزیابی پاسخ‌گویان از سطح حکروایی شایسته و سرمایه اجتماعی یکسان است و افراد روستایی دیدگاه مشابهی در این زمینه داشته‌اند. این یافته با نتایج تحقیق زنگنه و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. این امر می‌تواند ناشی از ضعف کارکرد نظام آموزشی در پرورش خصلت‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و آشناسازی فراگیران با مفاهیم و سازوکارهای مشارکت مدنی و نهادی باشد. روستاهای با سطوح جمعیتی بیش‌تر در سطح میزان حکروایی شایسته را بیش‌تر ارزیابی کردند که بیانگر ارتقای حکروایی شایسته با افزایش

آسیب‌شناسی قوانین و مقررات روستایی از منظر حکمروایی شایسته و شناسایی و معرفی تجربه‌های موفق مدیریت روستایی از منظر حکمروایی شایسته و مطالعه در سایر مناطق، برای دستیابی به الگویی جامع برای حکمروایی شایسته در مناطق روستایی پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. ازکیا، مرتضی و غلامرضا غفاری. ۱۳۸۰. بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، دوره ۹، شماره پیاپی ۱۷، صص ۳-۱۳.
۲. اژدری‌فرد، فاطمه و مصطفی احمدوند. ۱۳۹۰. واکاوی عملکرد شوراهای اسلامی در مسیر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۵-۹۸.
۳. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ جلال عظیمی آملی؛ مهدی پورطاهری و زهرا احمدی‌پور. ۱۳۹۰. تبیین رابطه رهیافت حکمروایی خوب و توسعه پایدار روستایی در مناطق روستایی استان مازندران، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱-۳۴.
۴. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، جلال عظیمی آملی؛ مهدی پورطاهری و زهرا احمدی‌پور. ۱۳۹۱. ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱-۲۸.
۵. ایمانی جاجرمی، حسین و مجید عبداللهی. ۱۳۸۸. بررسی تحولات مدیریت روستایی در ایران از زمان مشروطیت تا زمان حاضر، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۲، صص ۲۲۱.
۶. بزی، خدارحم؛ اکبر کیانی؛ یاسین حنیفی اصل و امیر راضی. ۱۳۹۰. تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی کشور (مقایسه تطبیقی مراکز شهری و روستایی شهرستان ارومیه)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره ۲، صص ۷۴-۱۰۲.
۷. پورمحمدی، محمدرضا؛ کریم حسین‌زاده دلیر و عیسی پیری. ۱۳۹۰. حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی: آزمون نظم نهادی - فضایی ارتباطی و فاعلیت‌مندی غیر اقتصادی (مطالعه موردی: کلان مردم روستا (مؤلفه‌های عدالت‌محوری، قانون‌مداری، ضابطه‌مندی، شفافیت و کارایی).
- ارتباط مستمر و منظم با ارگان‌های دولتی ذی‌ربط برای جلب حمایت‌ها و اعتبارات برای عمران و آبادی روستا (مشارکت و شبکه‌گرایی).
- تلاش مدیریت روستا برای حفظ منابع طبیعی و عمومی و نیز فرهنگ و هویت روستا توأم با برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری از خطرات و بحران‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی در روستا (ضابطه‌مندی، قانون‌گرایی و اثربخشی).
- تقویت اختیارات لازم توأم با تخصیص امکانات و منابع مورد نیاز به شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها برای پیشبرد فعالیت‌های عمرانی در سطح روستا.
- اطلاع‌رسانی به روستاییان درباره اهمیت و جایگاه شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها و تشویق آن‌ها به شرکت در انتخابات مربوط به شوراهای اسلامی.
- تلاش شورای اسلامی روستایی برای انتخاب شایسته‌سالارانه‌ی دهیار و حمایت منطقی از او در پیشبرد امور روستا.
- تعامل سازنده‌ی مدیریت روستا با کسب‌وکارها و شرکت‌های خصوصی و بنگاه‌های مستقر در روستا برای جلب حمایت آن‌ها در توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری مولد در روستا.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای دهیاران و اعضای شورای اسلامی برای ارتقای توان مدیریتی و سواد حقوقی و قانونی آن‌ها، به‌ویژه آشنایی با وظایف و مسئولیت‌های محوله و تغییر و تحولات در قوانین و مقررات و رویه‌های اداری مرتبط با مدیریت روستایی.
- نظارت و ارزیابی مستمر بر فعالیت شوراهای اسلامی روستاها و دهیاری‌ها توسط ارگان‌های مسئول با مشارکت نمایندگان اقشار مختلف روستا با بهره‌گیری از شاخص‌های حکمروایی شایسته.
- در تداوم این پژوهش، بررسی رابطه میان حکمروایی شایسته با سطح توسعه‌یافتگی و اثربخشی فعالیت‌های عمرانی در مناطق روستایی،

۱۶. شکوهی، محمد اجزا و مصطفی ایستگلدی. ۱۳۹۲. بررسی تحلیلی عوامل زمینه‌ساز حکروایی خوب (مطالعه موردی: شهر ترکمن)، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۳۱-۴۹.
۱۷. صالحی، رضا؛ مرتضی نعمتی و سعید امان‌پور. ۱۳۹۳. بررسی سازوکار تأثیرگذاری شاخص‌های سرمایه اجتماعی در حکروایی مطلوب شهری با استفاده از Amos (مطالعه موردی: شهر نسیم شهر)، مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال چهارم، شماره اول (پیاپی ۱۲)، صص ۱-۲۴.
۱۸. عنابستانی، علی‌اکبر. ۱۳۹۳. تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی در شهرستان خواف، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۵۹-۱۹۰.
۱۹. کاظمیان، غلامرضا. ۱۳۸۶. درآمدی بر الگوهای حکروایی شهری، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۲۰، صص ۵-۷.
۲۰. مرادی، خدیجه و عبدالحمید پاپزن. ۱۳۹۱. ارائه الگویی به منظور شناسایی عوامل بسترساز موفقیت دهیاری‌ها (مطالعه موردی: دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه)، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۷۵-۲۰۲.
۲۱. مشکینی، ابوالفضل؛ سید موسی پورموسوی و سهراب موذن. ۱۳۹۳. ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکروایی مطلوب شهری (مطالعه موردی: محله اوین تهران)، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات، شماره ۶، صص ۳۱-۴۲.
۲۲. نیکونسبتی، علی. ۱۳۹۱. حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۵۴.
23. Biox, C., and Daniel P. 1998. Social Capital: explaining its origins and effects on government and performance. *British Journal of Political Science*, 3(10): 28-94.
24. Chen, Jie and Chunlong Lu, 2007. Social Capital in Urban China: Attitudinal and Behavioral Effects on Grassroots Self-Government, in: *Social Science Quarterly*, 88, 2, 422-442.
25. Kardos, Mihaela. 2012. The reflection of good governance in sustainable development strategies. *Procedia-Social*
- شهر تبریز)، مطالعه جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره ۱، صص ۳۵-۵۲.
۸. تاجبخش، کیان؛ مراد تقفی و مسعود کوهستانی‌نژاد. ۱۳۸۱. سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)، فصلنامه رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۵۵-۲۰۰.
۹. حسام، مهدی؛ محمدرضا رضوانی و حدیثه آشور. ۱۳۹۳. سنجش رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها با رویکرد حکروایی خوب روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای دهستان جنوبی شهرستان گرگان)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره مسلسل چهاردهم، صص ۹۹-۱۲۸.
۱۰. دادورخانی، فضیله؛ محمد سلمانی؛ صامت فرهادی و زهره زارع. ۱۳۹۰. حکروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش- های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۲۰.
۱۱. دربان آستانه، علیرضا، محمدرضا رضوانی، سیدحسن مطیعی و سیدعلی بدری. ۱۳۸۹. سنجش و تحلیل عوامل مؤثر در حکروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳، صص ۹۹-۱۱۸.
۱۲. دربان آستانه، علیرضا و محمدرضا رضوانی. ۱۳۹۰. تبیین عوامل مؤثر بر حکروایی روستایی در حکومت‌های محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین)، مدیریت شهری، شماره ۲۸، صص ۱۷۹-۱۹۸.
۱۳. رضایی، روح‌اله، لیلا صفا و زهره مقدمی. ۱۳۹۱. واکاوی عملکرد شوراهای اسلامی روستایی در شهرستان ابهر (مطالعه موردی: روستای خیرآباد)، مجله فناوری‌های نوین کشاورزی، ویژه ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره دوم، صص ۴۵-۶۲.
۱۴. زنگنه، یعقوب؛ حسین قدرتی و داوود سمیعی‌پور. ۱۳۹۰. بحثی پیرامون سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مدیریت و اقتصاد شهری (مطالعه موردی: مشهد و سبزوار)، نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی، پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی، شماره ۲۷، صص ۲۲۳-۲۳۶.
۱۵. سردارنیا، خلیل‌اله. ۱۳۹۰. اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۵۹-۲۶۰، صص ۱۳۲-۱۴۵.

- Abas 2004. Strengthening Local Governance Central, Sulawesi and North Maluku. Thematic Assessment, 32(9): 1-33.
30. Slangen, Louis, G., Cornelis van Kootena, and Pavel Suchánka 2004. Institutions, social capital and agricultural change in Central and Eastern Europe. *Journal of Rural Studies*, 20 (2): 254-256.
31. Ward, Neil and Kate McNicholas. 1998. Reconfiguring Rural Development in the UK: Objective 5b and the New Rural Governance. *Journal of Rural Studies*, 14(I): 27-39.
32. Xia, Min 2011. Social Capital and Rural Grassroots Governance in China. *Journal of Current Chinese Affairs*, 40(2): 135-163.
- and Behavioral Sciences, 58: 1166-1173.
26. Knack, Stephen. 2002. Social Capital and the Quality of Government: Evidence from the States. *American Journal of Political Science*, 46(4): 772-785.
27. Mutersbaugh, Tad, Daniel Klooster, Marie-Christine Renard and Peter Taylor. 2005. Certifying rural spaces: Quality-Certified Products and Rural Governance. *Journal of Rural Studies*, 21: 381-388.
28. Roy, Indrajit. 2007. Civil Society and Good Governance: (Re) Conceptualization the Interface. *World Development*, 36(4): 677-705.
29. Shatifan, Nina, Rahmi Yunita, Riant Nugroho Dwidjowijoto and Muhamad